

جلسه صد و بیست و چهار
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه نوزدهم برج
دلو ۱۳۰۴ مطابق چهاردهم
شهر رجب ۱۳۴۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر
به ریاست آقای مؤمن الملک
تشکیل گردید
صورت مجلس یوم پنجشنبه
شانزدهم دلورا آقای میرزا جواد
خان قرائت نمودند

رئیس - آقای تدین
تدین - بنده راجع به دستور عرض
دارم

رئیس - آقای عماد السلطنه
(اجازه)

عماد السلطنه - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور عرضی
دارم

رئیس - نسبت به صورت جلسه گویا
اشکالی نیست

(گفتند خیر)
رئیس - آقای سردار عشایر
(اجازه)

سردار عشایر - بنده در دستور عرض
دارم

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - در آخر جلسه گذشته بنده
پیش نهاد کردم خبر کمیسیون مبتکرات
راجع بتفسیر ماده شش قانون شانزدهم
جوزای هزار و سیصد و یک جزو دستور شود
چون همه کانی نبودم و کول با مرز شد
حالا اگر آقایان موافقت فرمایند
در درجه اول جزء دستور شود
اشکالی هم ندارد

رئیس - باید رأی گرفته شود
آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند
قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)
رئیس - تصویب شد
آقای عماد السلطنه

(اجازه)

عماد السلطنه - اگر چه بنده خودم
جزء اشخاصی هستم که مخالف مذاکرات
قبل از دستور هستم و معتقد نیستم که بمذاکرات
متفرقه وقت مجلس را تلف کنم

پریروز هم در این موضوع پیش نهادی
شد اگر هم رأی گرفته شده بود رأی می-
دادم

ولی چون آقای ضیاء الواعظین در
جلسه پریروز فرمایشاتی فرمودند که يك
مقدارش را نسبت دادند ببنده و در اظهارات
بنده تردید فرمودند و فرمودند که بنده در

ضمن مدافعاتم از بودجه کل مملکتی عرض
کرده ام که مالیات اصناف نسبت به سابق
کمتر شده است و حال آنکه این طور نیست
و ضمنا هم فرمودند که من يك صورتی از
يكی از رؤساء مهم مالیه بدست آورده ام و
آن صورت را هم همانطور که آقایان استماع
کردند در این جا قرائت کردند

اولا بنده بر میگردم به عرض سابق خودم
و باز هم تکرار میکنم که مالیات اصناف نسبت
به سابق کمتر شده است

علت کم شدنش هم این است که يك
مقدار از اصناف از بین رفته اند باین جهت
از مالیات سابق کمتر شده است و آن اصنافی
که از بین رفته اند عبارتند از صنایع زری باف
چیت ساز، قلمکار ساز، صباغ، دواتگر و
از این قبیل

دولت هم از آنها مالیات نمیگیرد یعنی کسی
نیست که مالیات ازش بگیرند
پنا بر این کم شده است

اما آن صورتی را آقا اینجا قرائت
فرمودند و نسبتش را دادند بیکي از رؤسای
مهم مالیه بنده متأسفم از اینکه عرض کنم
آن رئیس مهم مالیه اگر این صورت را
داده است کاملا از جریان امور مالیه بی اطلاع
بوده است چون در ضمن صورتیکه آقا
قرائت کردند مالیات ذبایح جزو مالیات
صنعتی قرائت کردند در صورتیکه در هیچ
جای دنیا ذبایح جزو مالیات صنعتی
نیست

همچنین سوق الدواب را جزو مالیات
صنعتی حساب کردند و قرائت نمودند در
صورتیکه این مالیات هم جزء مالیات صنعتی
نیست

مثلا اگر قصاب يك گوسفندی را
میکشد و بیکقران میدهد اینکمر بوطه مالیات
اصناف نیست

این اضافه میشود بقسمت گوشتی که
بمردم میفروشند یا مثلا يك مالی را میفروشند
یکقران یا بیکقران میدهد این چه ربطی بمالیات
صنعتی دارد؟

دیگر اینکه آقا در ضمن فرمایشاتشان
فرمودند که بنده فرض کرده ام این مالیاتها
قانونیست و حال آنکه قانونی نیست و کاملا
بر خلاف قانونست

اگر چه پریروز شاهزاده شیخ الرئیس
فرمودند که مالیات اصناف کاملا قانونی است
و توضیحی هم در این خصوص دادند ولی
باز هم بنده ناچارم عرض کنم که مالیات اصناف
کاملا قانونی است و از تصویب مجلس هم
گذشته و اگر مراجعه فرمایید بآن جمع و
خرجی که در قوی قبل هزار و سیصد و بیست
و پنج از تصویب مجلس گذشته است صحت
عرایض بنده معلوم میشود

بکقسمت دیگر در آخر بیاناتشان
فرمودند که پیشنهادی تهیه شده است برای
الغای مالیاتهای صنعتی

این را بنده درست نفهمیدم که نظر

آقا از الغای مالیات های صنعتی چیست
اگر مقصود متجددالشکل کردن
مالیاتها است که الانهم کمیسیون قوانین
مالیه با موافقت نظر مسیون امریکائی
مشغول است که يك مالیاتهای متجددالشکلی
تهیه کند تا از این وضعیت فعلی که داریم
خلاص شویم و تمام اصناف بطور عادلانه و
از روی يك ترتیب صحیحی مالیات بدهند

اما اگر مقصود آقا این است که بکلی
مالیات اصناف لغو شود این را بنده نمی فهمم
چرا و بچه جهت؟

همانطور که بنده در بگیری مالیات می
دهیم فلان دسته مخصوص هم که از نعمت امنیت
مملکت بهره مند میشوند موجب آزانی
را که در این سرمای سخت پاسبانی میکنند
باید بدهند

چرا يك دسته بدهند و دسته دیگر
ندهند؟

چرا اصناف مهم این مملکت نباید
مالیات بدهند؟

بچه دلیل ما این فلسفه را قائل بشویم؟
و بچه دلیل بگوئیم یکدسته مخصوص بدهند
و یکدسته ندهند؟

برای چه؟

مگر این که عرض کنم که مقصود از
تهیه پیش نهاد آقا همان اندازه اظهاراتی
است که در جلسه گذشته در مجلس فرمودند
و خیلی هم اصرار داشتند که فرمایشاتشان در
چرائد منتشر گردد

والا ما نباید برای خوش آمدیاد آمدیک
دسته در مجلس اظهاراتی بکنیم

ما باید هر چه را که میگوئیم ببینیم در
عمل چه میشود و با عمل تطبیق کنیم

مثل این که يك پیش نهادی شده است
از طرف یکمده از آقایان که باید دو میلیون
و سیصد هزار تومان عشر کلیه عوائد مملکت
بمصرف معارف و صحیه برسد

بسیار خوب!
يك پیش نهاد دیگری هم تهیه شده
است که بطور تحقیقی نمیتوانم عرض کنم
چه مبلغ است ولی در هر حال مبلغ خطیری
از بودجه مملکت کاسته میشود که عوائد بلدی
هر شهری برای تأسیس بلدی در ولایات
تخصیص داده شود

امروز پیش نهاد میشود که مالیات صنعتی
را هم لغو نمائیم

خانوار نیست که رد کرده ایم
نیم عشر اوقاف است که رد کرده ایم
خیلی خوب از آنطرف هم انتظار داریم
که تشکیلات مملکتی ما اقل مثل بهترین
نقاط ممالک دنیا باشد

با کدام بودجه؟ با چه بودجه؟
از آنطرف هم اگر يك لایحه می آید
که يك مالیاتی در مملکت وضع شود بانام
قوا سعی میکنیم که از دستور خارج شود
مثل اینکه مکرر این کار را کرده ایم

خیلی خوب

شما اگر میخواهید يك قدم اصلاحی
بردارید بسم الله امروز یکی از آنروزها که
یکی از اصلاحاتی که ما از اول مشروطیت تا
حالا از روی آنرا داشتیم گذراندن قانون
ممیزی است

امروز هم میآید بمجلس این قانون را
و بعهله بگذرانید بدهید بدست دولت اجرا
کند

فردا هم قانون مالیات صنعتی میآید
بمجلس آنرا هم بگذرانید بعدیک ماده واحده
بگذرانید که کلیه مالیاتهای دیگری که در
مملکت هست و برخلاف قانونست بهر اسم
و رسمی ملغی و از درجه اعتبار ساقط است

این پیش نهاد را هم بعدش بکنید
خیلی هم عادلانه است در عمل هم میشود يك
کاریش کرد

وقتی اگر امروز مالیات صنعتی ملغی شود
فردا هم يك مالیات دیگری لغو شود پس -
فردا هم یکی دیگر، بجایش چه میگذازی؟
پس میخواهید چرخهای مملکتی با
چه چیز جریان پیدا کند؟

بهر حال بنده قصدم از این قسمت آخر
اظهار عقیده شخصی خودم بود ولی در
قسمت اول خواستم عرض کنم آنچه که
بنده در مدافعات و اظهارات خودم عرض
کرده ام کاملا مطابق قانون بوده است و
مالیات صنعتی هم آنهایی که ایشان فرمودند
نیست

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

بعضی از نمایندگان - وارد دستور
شویم

حائری زاده - بنده مطلب مهمی
نداشتم فقط میخواستم عرض کنم چون
کمیسیون محاسبات مشغول رسیدگی
محاسبات سال گذشته اداره مباشرت شده و
یکی از اعضاء کمیسیون که آقای امیرحشمت
بودند استعفا داده اند خواستم استدعا کنم
شعبه اول را در موقع تنفس تشکیل بدهند
و بجای ایشان یک نفر دیگر را انتخاب فرمایند که
کمیسیون مشغول کارش بشود

ضیاء العواظین - بنده خیلی متأسفم
که آقای عماد السلطنه مخبر محترم کمیسیون
بود چه هر چه تصور فرموده اند که يك قسمت
از عرایض پریروز بنده متوجه فرمایشات
ایشانست در صورتی که بنده نظری نداشتم
و نخواستم فرمایشات ایشانرا مورد انتقاد
قرار بدهم و راجع بآنها صحبت کنم

يك قسمت از مذاکراتی که بنده عرض
کردم و گفته شد این طور نیست بنده از
روی دلیل و مدرک عرض کردم

مدرک بنده هم که عرض کردم از یکی
از رؤسای مهم مالیه صورتی تحصیل کرده ام
رابطه جامع و مبسوط و مفصل آقای فهم
الملک است که چاپ شده و خدمت همه
آقایانهم هست

يك صورت جامعی است و معین کرده

مواد رفع خواهد شد و در اساس این قانون هم که کسی مخالف نیست . بنا بر این بنده معتقدم که مذاکرات در کلیات کافی باشد و داخل شوم در شرح مواد در ماده اول هم که این اساس مطالب است هر قدر میفرمائید بصحت کنند و پیشنها بفرمائید دیگر بسته است بمیل آقایان .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم .
رئیس - بفرمائید .

حاج میرزا عبدالوهاب - این قانون خیلی اهمیت دارد بخصوص ماده اولش که فوق العاده قابل دقت است در ماده اول هم همینطور مثل کلیات خواهند گفت مذاکرات کافی است در پیشنها دات هم که رای داده میشود همینقدر خوانده میشود و میرود بکمسیون و اکثریت نسبی کمسیون هم با آنهاائی است که میخواهند این قانون بگذرد چون آن روزی که در کمسیون رای داده شد پنج نفر از نه نفر رای دادند که اکثریت نسبی بود .

بالاخره این قانون همینطور تمیل به اهالی این مملکت میشود در حالتیکه خیلی ایرادات هست که باید گفته شود و موافق و مخالف یکان یکان مطالب خود را بگویند بعد البته بسته بحکمیت اکثریت مجلس است و اگر بنا شود که بکفایت مذاکرات رای گرفته شود آنوقت اسباب زحمت برای آتی مملکت خواهد شد

بنا بر این بنده عقیده دارم که باید موافق و مخالف عقاید خودشان را بگویند بعد رای گرفته شود .

رئیس - رای میگیریم .
آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد .
بقیه مذاکرات را اگر اجازه بفرمائید بماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

(مجلس موقع ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک
منشی - معظم السلطان
منشی - علی اقبال الملک

جلسه ۱۳۵
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه بیست و یکم
دلو هزار و سیصد و سه
مطابق شانزدهم شهر
رجب یک هزار و سیصد و
چهل و سه
مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر بیست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یکشنبه نوزدهم دلو را آقای اقبال الملک قرائت نمودند)
رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریحتمدار دامغانی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)

شیخ رئیس - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - نسبت بصورت مجلس گویا ایرادی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - حالا که قانون ممیزی مطرح است خوب است از طرف وزارت مالیه يك نماینده اینجا باشد .

پرروز آقای مخبر فرمودند که در کاشان مالیات را از ارباب ورهیت می گیرند در صورتی که اینطور نیست هر چه گرفته می شود از ارباب گرفته می شود و از رعیت چیزی نمیگیرند بفرمودند خوب است از طرف ایشان هم فرمودند خوب است از طرف وزارت مالیه يك نفر نماینده اینجا باشد این است که خواستم تقاضا کنم حالا که قانون ممیزی مطرح است اطلاع بدینند يك نفر نماینده از طرف وزارت مالیه در مجلس حاضر باشد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی که می خواهم بکنم در مقام ترمیم نیست که بخواهم اثباتی برای خود و نفی از دیگران کرده باشم .

مسلم است هر يك از آقایان نمایندگان که يك پیشنهادی را از امضاء می کنند تا مدرك و جهت آن را نهمند البته امضاء خواهند کرد .

آقایان نمایندگان ولایات راجع به وائبلدی شهری يك پیشنهادی کرده بودند بنده هم امضاء کردم .

بنده نمی خواهم به آقای عماد السلطنه حمله کنم ولی چون پرروز چیزی فرمودند بنده می خواهم از عقیده خودم دفاع کنم .
این دفاع از دو جهت است یکی اینکه بودجه را وزارت مالیه مشغول است می نویسد و می آورد بمجلس شاید تکلیف معلوم باشد .

یکم اینکه چون بنده هم امضاء کرده ام والته سایر آقایان هم که امضاء کرده اند از عقیده خودشان دفاع خواهند کرد عقیده ما این است که عوائد بلدی هر شهری که اهالی آن شهر برای تنظیف و آبادانی شهر می دهند نباید بصرف دیگری برسد والته آقای عماد السلطنه تصدیق نمی کنند که عوائد بلدی اصفهان را بیاورند بصرف شهری به بگیرهای طهران یا جای دیگر برسانند .

البته عوائد بلدی هر محل باید بصرف خودش برسد .

این پیشنهادی هم که کرده ایم چیز زیادی بر بودجه نیست .

صد و هشتاد هزار تومان عوائد بلدی است ما پیشنهاد کرده ایم بصرف آبادی شهرها برسد امیدوارم خداوند موفق بدارد تا بودجه که بمجلس می آید در این خصوص باجدیتی که دارم دفاع کنم تا شاید شهر ها هم از حقوق خودشان استفاده کنند .

راجع بمعارف هم که پیشنهاد شده است بواسطه خاطر این است که بقدری در این مجلس پیشنهاد صحبت راجع بمعارف و صجبه شده است بنده می گویم تمام آن اظهارات مطابق با واقع است . آقای

انشار و شاهزاده شیخ رئیس يك پیشنهادی کرده اند بجهت برداشتن قدم هائی برای معارف و صجبه که در بودجه سال بعد نگاه کنیم و ببینیم چه اندازه از آن را می توانیم صرف معارف و صجبه کنیم و در منزل آقای قائم مقام تبریزی چهل پنجاه نفر از آقایان نمایندگان ولایات آن پیشنهاد را امضاء کرده اند .

البته مطابق قانون اساسی نظر در وضع و خرج مالیات حق و کلاست و غیر از نمایندگان کسی نمیتواند این کار را بکند .

مانظر کردیم دیدیم ترقی مملکت در توسعه معارف و صجبه مملکت است و ما مطابق این عقیده آن پیشنهاد را امضاء کردیم و البته تمعقب هم می کنیم حالا آقای عماد السلطنه می گویند عملی نمی شود .

بنده عرض می کنم اگر بنده و جنابعالی و سایر آقایان تمعقب کنند البته عملی می شود .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریحتمدار دامغانی - بدو عرض می کنم عرایض بنده متوجه رئیس کل مالیه نیست زیرا بنده معتقدم باینکه وجود آقایان

امریکائی ها اسباب يك اصلاحاتی مملکت ما خواهد بود و نهایت اطمینان راهم بصحت عمل آنها دارم شکایات بیشتر متوجه است بمأمورین ما و نظریات آنها که برای حسن تجلی و عین خدمت تحلیاتی برخلاف قانون بر مردم میکنند .

ممکن است رئیس کل مالیه هم اطلاع نداشته باشد .

من جمله درسی سال قبل در دانهان ممیزی شد برای قیام دامغان هفت تومان و دو قران جزو جمع بوده است و این ترس معمول بود تا یاز سال .

یاز سال یکی از امناى مالیه برای گردن عایدات و برای اینکه حسن بخیر بخرج داده باشد مالیات قیام را بجز گذاشت که اجازه دهد .

این ترتیب عملی نشد تا ده یازده قبل امین مالیه مأمور گذاشته است دروازه و از هر باری ده شاهی و يك قری باختلاف مالیات میگرفت و هفت تومان قران مالیات قیام که سابقا ممیزی بوده است تبدیل شده است بیست و هفت تومان بدون اینکه هیچ نظری داشته که مجلس این مالیات را تصویب نکرده .

الان هم هفت هشت روز است که دامغان تعطیل عمومی است و همه در تلگر خانه متحصن شده اند و هر چه شکایت میکنند یا آنها جواب داده نمیشود والته معلوم است آخر الدواء و مرجع امیدواری هم شورای ملی است .

شکایات هم که بمجلس میرسند بکمسیون عرایض هم جوابهای فرمالیته میدهد اقدام شده یا میشود و نتیجه را اطلاع دهم .

بنده می خواهم از کمسیون تجدید نظر در نظام نامه داخلی تقاضا کنم که اختیار کمسیون عرایض را بیش از این قرار دهند که بتوانند داخل عمل شود و رسیدگی کنند .

یا اقلا (باز عرض سابق خودم را تکرار میکنم) انجمن های ایالتی و ولایتی را تشکیل دهند تا این که مردم از این کشمکش و اشکالات خلاص شوند و در اختلافاتی بین مردم و مأمورین دولت پیدا میشود قضاوت کنند .

يك مثال دیگر :
قضیه این است که در دامغان يك دهی است که هیچ خا نوار نداشته است که مجلس مالیات خانواری را رد کرده است مالیات خانواری هذالسنه را مطالبه نمی کنند .

ولی شش سال خانواری سابق را مطالبه میکنند که تقریباً هزار و پانصد تومان میشود در صورتی که آنها بنهایت فقیر و پریشانند و هیچ چیز ندارند قریب چهار صد